

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های کالبدی در حس تعلق به مکان

(نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی نسترن در شهر زاهدان)



شهاب عباس زاده^۱، اسماء میر خطیب^۲، مسیح الله معصومی^{۳*}

۱ - استادیار و عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه حکیم سبزواری

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه حکیم سبزواری

۳ - عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه حکیم سبزواری

asmamirkhatib@yahoo.com

اسماء میر خطیب

چکیده

رشد شتابان شهرها، افزایش تصاعدی جمعیت شهری و در پی آن ساخت و ساز مسکن در غالب مجتمع‌های مسکونی و رشد نامناسب و ناهمساز کالبدی به علاوه نگاه کمی گرایانه به عناصر کالبدی، پی آمدهایی نظیر از دست رفتن مکان، بیگانگی انسان با مکان و در نهایت کاهش حس تعلق را در پی دارد. لذا با توجه به اینکه محیط، یکی از عوامل مؤثر در حس مکان و احساس تعلق کاربران آن است، این مهم ضرورت انجام مطالعات گسترده در باب شناسایی در جهت بهبود عناصر کالبدی مکان در ابعاد کمی و کیفی کشور را می طلبد. پژوهش حاضر یک پژوهش تحلیلی - توصیفی می باشد و از تکنیک‌های ترکیبی (Mixed Method) استفاده شده است و جمع آوری داده‌ها از بین کتب و مقالات و مشاهدات عینی بوده است و هدف آن پاسخ به این پرسش (نقش عناصر کالبدی در ایجاد حس تعلق به مکان چیست؟) و همچنین بازیابی و معرفی نقش عناصر و اجزای تشکیل دهنده حس تعلق، بر پایه مرور متون و اسناد مرتبط در این زمینه و بررسی آراء و نظرات صاحب نظران است. پس از بررسی عوامل و عناصر مختلف و نیز طبقه بندی عوامل دخیل در آن، به تبیین دیاگرام کلی حس تعلق پرداخته شد. مؤلفه‌های کالبدی بیان شده در دیاگرام پیشنهادی در مجتمع مسکونی نسترن مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت الگوهایی برای طراحی بهتر ارائه گردید. دیاگرام و الگوهای پیشنهادی کاربردی بوده و می تواند راهبردی برای آگاهی طراحان نسبت به چگونگی تأثیر فضای معماری بر حس تعلق استفاده کنندگان فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های کالبدی، حس مکان، حس تعلق، روانشناسی محیط، مجتمع مسکونی نسترن

۱ - مقدمه

متأسفانه بیشتر فضاهای شهری موجود در شهرهای امروزی، فاقد حس مکان و هویت مشخص هستند. این در حالی است که انسان‌ها، صرف نظر از موقعیت تاریخی، اجتماعی، تکنولوژیکی و جغرافیایی، همیشه به مکان نیاز خواهند داشت زیرا برخورداری از مکان و شناسایی آن، بخشی از وجود بشر است (شارمی، پرتویی، ۱۳۸۸).

رشد جمعیت و افزایش سریع شهرنشینی نیاز به مسکن انبوه در غالب مجتمع‌های مسکونی را طلب می کند. طراحی مسکن بصورت انبوه معمولاً تنزل در کیفیت را به همراه دارد. با توجه به تحولاتی که در طراحی مسکن رخ داده است، مشخص نیست که این تحولات توانسته باشد حس تعلق به مکان را در محیط مسکونی محقق نماید. تحقیقات نشان داده‌اند که ویژگی‌های محیط کالبدی می تواند پاسخگوی توقعات و نیازهای مردم نیز باشند. با توجه به تفاوت‌هایی که در طراحی مجتمع مسکونی وجود دارد به نظر می رسد که تمرکز بر طرح کالبدی مجتمع مسکونی سنجش تعلق به مکان و نقش طرح‌های مختلف کالبدی بر حس مردم نسبت به محل سکونت تأثیرگذار است. بین طرح کالبدی مجتمع مسکونی و حس تعلق به مکان ساکنین رابطه مثبت وجود دارد. این رابطه به صورت عاملی ادراکی با ایجاد علاقه برآورده شدن نیازها و انتظارات بر ساکنین تأثیر می گذارد. با توجه به تعریف مکان طرح کالبدی از عوامل محیطی مؤثر در حس تعلق به